

Evaluation of the purpose of Surah Al-Isra 'based on the adjacent Surah and the pair and Surah Al-Masbahat

Mahdie aliabadi ravari¹

Farzad dehghani²

Javad salmanzadeh³

Abstract

Surahology is one of the most necessary and appropriate fields of modern studies of Quranic sciences Which explains the verses of the Qur'an in accordance with the order of the Holy Qur'an This brings us closer to discovering the main purpose of the surah In this regard, the present study is descriptive-analytical and data collection by documentary method and using Library resources and data analysis are qualitatively compiled The findings of the research indicate that Surah Al-Isra 'is in four thematic axes Invitation to monotheism and denial of various divinities, falsehoods and expression of falsehoods of the polytheists against God and the Prophet (peace and blessings of Allaah be upon her) And the lack of power and ownership of the gods is with the adjacent surah and its partner It also has seven thematic axes Attention and importance to the character of the Prophet (peace and blessings of Allaah be upon him) Paying attention to the Jewish story, proving the resurrection, the preference and superiority of the Hereafter over the world, ordering charity and avoiding arrogance and stinginess The expression of the false beliefs of the polytheists and the call to monotheism and the denial of divinity is with surahs.

Keywords: Surahology, Surah Esra ', Thematic Axes, Adjacent Surah, Surah even

سال چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

پاییز و زمستان

۱۳۹۹

- 1) Master of Science, Quran and Hadith, Hakim Sabzevari University (The Corresponding Author) m.aliabadi@sun.hsu.ac.ir
- 2) Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences at Hakim Sabzevari University. f.dehghani@hsu.ac.ir
- 3) Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences at Hakim Sabzevari University j.salmanzadeh@hsu.ac.ir

ارزیابی غرض سوره اسراء براساس سوره مجاور، زوج و سور مسبحات

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴)

مهدیه علی آبادی راوری^۱
فرزاد دهقانی^۲
جواد سلمانزاده^۳

چکیده

سوره‌شناسی یکی از شیوه‌های دستیابی به محتوا و مفاهیم والای یک سوره است که در نهایت هویت خاصّ یک سوره را شناسایی و مطالب پایه‌ایی و محورهای موضوعی موجود در سوره را براساس محوریت سوره‌های مجاور و زوج بازخوانی می‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای و استنادی به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است که محورهای موضوعی سوره اسراء براساس سوره مجاور، زوج و سور مسبحات کدام است؟ غرض اصلی سوره در محور چیست؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سوره اسراء در سه محور موضوعی دعوت به توحید و نفی الوهیت متعدد، تبیین شبهات باطل مشرکان علیه خداوند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و عدم قدرت و مالکیت معبودان با سوره مجاور و زوج خود مشترک است علاوه بر آن پنج محور موضوعی سوره اسراء عبارت‌اند از: توجه و اهمیت به شخصیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، توجه به داستان یهود، معاد، بیان عقاید باطل مشرکان و دعوت به توحید و نفی الوهیت با سور مسبحات در ارتباط است. لازم به ذکر است غرض اصلی سوره اسراء، دعوت به توحید و مبارزه با عقاید باطل مشرکان علیه خداوند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌باشد.

واژگان کلیدی: سوره‌شناسی، سوره اسراء، سوره زوج، سوره مجاور، غرض سوره.

۱) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)

m.aliabadi@sun.hsu.ac.ir

۲) استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران f.dehghani@hsu.ac.ir

۳) استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران j.salmanzadeh@hsu.ac.ir

یکی از شاخه‌های جدید تفسیر ساختاری، سوره‌شناسی و سوره‌کاوی است که به واسطه دکتر محمد علی لسانی فشارکی^۱ و شاگردان ایشان از جمله دکتر ابوالفضل خوش منش^۲ و دکتر حسین مرادی زنجانی^۳ چند سالی است در کشور معرفی شده است. در روش سوره‌شناسی مفاهیم و محتوای والای هر سوره به درستی به دست می‌آید و نیاز به فهم و عمل به یکایک سوره‌ها را در زندگی امروزی نمایان می‌سازد و کتاب زندگی بودن قرآن از تئوری وارد مرحله عملیاتی می‌شود. بنابراین با استفاده از این روش می‌توان محورهای موضوعی یک سوره را با کمک سوره مجاور یا زوج آن سوره استخراج نموده و به غرض اصلی سوره نزدیک‌تر شد؛ این روش توسط دکتر محمدعلی لسانی فشارکی در کتابی به نام سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم) معرفی شده است. بنای این روش ساختاری بر توفیقی بودن ترتیب سوره‌ها است و یکی از بایسته‌ترین و مناسب‌ترین حوزه‌های مطالعات نوین علوم قرآن است که به شرح و توضیح آیات قرآن مطابق با ترتیب مصحف شریف می‌پردازد.

در علم سوره‌شناسی محتوای هر سوره با توجه به چیستی، چرایی و چگونگی آنها بحث می‌شود تا هویت مستقل سوره شناسایی شود و با استفاده از علم مذکور، شناخت اجمالی ما از کتاب قرآن به شناخت تفصیلی فراز می‌یابد. (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۷۴) باید گفت توجه به غرض اصلی سوره‌های قرآن به قرن نهم بازمی‌گردد برهان الدین بقاعی در تفسیر «نظم الدرر فی تناسب الایات و السور» تبیین نموده است در سده‌های اخیر نیز دانشمندانی مانند عبدالحمید فراهی، اشرف علی ثنوی، محمد عبده، احسان امین اصلاحی، احمد مصطفی مراغی، سیدقطب، علامه محمدحسین طباطبایی، محمدعزت دروزه، سعید حوی و محمود بستانی تلاش کرده‌اند تا در آثار خود غرض سوره‌های قرآن را کشف و بیان کنند و از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این زمینه کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن در ایران و سایر کشورهای اسلامی تالیف یافته‌اند عبارت‌اند از: کتاب ساختار هندسی سوره‌های قرآن اثر دکتر محمد خامه‌گر، رساله دکتری با عنوان نگرش سیستمی به ساختار سوره‌های قرآنی اثر ایرج گلجانی، کتاب روش تدبر در سوره‌های قرآن کریم اثر علی صبوحی طسوجی، کتاب درسنامه تدبر ترتیبی قرآن (مبادی و روش)، اثر محمدحسین الهی زاده، کتاب طرق التوصل الی محاور السوره اثر عدنان عبدالقادر از کویت و کتاب وحده النسق فی السور القرآنیة، فواید و طرق دراستها اثر رشید الحمداوی از

۱) لسانی فشارکی، محمدعلی، طرح جامع آموزش زبان قرآن کریم، به کوشش مهدی غفاری، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۵ش.

۲) خوش منش، ابوالفضل؛ حمل قرآن (پژوهشی در روش شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید)، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.

۳) لسانی فشارکی، محمد علی و حسین مرادی زنجانی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳ش؛ لسانی فشارکی، محمد علی و حسین مرادی زنجانی، سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم)، تهران: نصاب، ۱۳۹۵ش.

مراکش می‌باشند. (خامه گر، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۳) در پژوهش حاضر با تکیه بر علم سوره‌شناسی به دنبال کشف محورهای موضوعی و غرض اصلی سوره اسراء با توجه به سوره مجاور و زوج می‌باشد از آن جایی که سوره اسراء جز دسته‌ی سور مسبحات است به محورهای موضوعی این سوره با سور مسبحات نیز پرداخته می‌شود نگارندگان حاضر تلاش کرده‌اند با روش مذکور غرض اصلی سوره اسراء را شناسایی کنند هر چند که پژوهش‌های مختلفی در مورد سوره اسراء و سور مسبحات صورت گرفته است به طور خلاصه به چند مورد آن پرداخته می‌شود از جمله: برای اثبات آیات سوره اسراء دو مرحله باید طی شود نخست به توجه و گردآوری موضوعات مهم سوره و سپس ارتباط آن‌ها با یکدیگر و دیگری با بررسی ارتباط آیات با هم یک شبکه‌ی ارتباطی ایجاد می‌شود. (فلاح پوربرنجستگانی، ۱۳۹۰) با دقت به گزاره‌های اخلاقی سوره اسراء اولاً این گزاره‌ها در دو حوزه‌ی فردی و جمعی همگام شده‌اند ثانیاً به تبیین نظام اخلاقی پرداخته‌اند، حوزه‌های اخلاقی علاوه برآنکه بیانگر انسجام و وحدت موضوعی و ساختاری سوره اسراء می‌باشند نشان‌دهنده‌ی جامعیت سوره‌های قرآن می‌باشد تا زمینه‌های هدایت انسان را فراهم نمایند. (ستوده نیا؛ جانی پور، ۱۳۹۲: ۵۵-۸۲) یکی از راه‌های شناخت معنا را معناشناسی دانسته است و تاثیر دلالت‌ها با دقت به بافت و سیاق آیات، معنای آیات قرآن به درستی شناسایی می‌شوند. (کاظمی، ۱۳۹۳) اینچنین بیان کرده است مایکل سلز به سه مسئله معتقد است: واقعه‌ی معراج در قرآن نیست درحالی که مسلمانان و خاورشناسان از جمله: آنه ماری شمل براساس آیه ابتدایی سوره اسراء و آیات (۷-۱۸) سوره نجم معتقد به واقعه معراج می‌باشند، پیامبر (ص) غیر از قرآن معجزه‌ی دیگری ندارد درحالی که مسلمانان و آنه ماری شمیل معتقدند معراج یکی از معجزات پیامبر (ص) بوده است و معراج پیامبر (ص) در خواب صورت گرفته است درحالی که با توجه به عبارت «سَرَى بَعْبُدِهِ» واقعه‌ی معراج در بیداری پیامبر (ص) رخ داده است. علاوه بر مایکل سلز معتقد است شرح صدر در زمان معراج به وقوع پیوسته است در حالی که آنه ماری شمیل معتقد است شرح صدر قبل از معراج رخ داده است و اکثر مفسران و برخی مورخین و مستشرقین نظرشان مانند آنه ماری شمیل می‌باشد در پایان مایکل سلز از رویت خداوند چیزی نگفته است و فقط از دیدن نشانه‌های خداوند توسط پیامبرش بحث کرده است در حالی که آنه ماری شمیل به متون اهل سنت مراجعه کرده است و به نوشته‌های اطمینان کرده است و تنها به آیات قرآن اکتفا نموده است همچنین علامه طباطبایی معتقد است خداوند قابل رویت نیست زیرا خداوند جسم و محدود نیست که بتوان خدا را دید. (ایزدی؛ محمدی نبی‌کندی، ۱۳۹۴: ۵۸-۴۳) اینگونه بیان کرده است در سوره اسراء به پنجاه جمله‌ی انشایی اهمیت داده شده است که هفده مورد آن جمله‌ی امری، دوازده مورد جمله‌ی نهی، نه مورد جمله‌ی استفهام، پنج مورد جمله‌ی تمنی و چهار مورد جمله‌ی ندا وجود دارد و همه‌ی آن‌ها دارای اغراض ثانویه می‌باشند از طرف دیگر

غرض آن‌ها نیز متنوع است (خان‌محمدی؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ۲۰-۱) هدف از این پژوهش آشنایی با نمونه‌هایی از آرایه‌های ادبی و نقش آن‌ها در کشف غرض سوره اسراء است حاصل آن بدین شرح است که خداوند با به کارگیری آرایه‌های مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه، تضاد و لف و نشر به زیبایی و اعجاز کلام خویش افزوده است از طرف دیگر مخاطب آن نیز می‌تواند غرض الهی را از کاربست آرایه‌های مذکور کشف نماید (خرقانی؛ سپزجو، ۱۳۹۸: ۵۰-۲۷) نتیجه‌ی آیه شریفه ﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ (اسراء/ ۴) اشاره به دو فساد بنی اسرائیل دارد و برای آن‌ها دو عذاب تعیین شده است همچنین دو عبارت «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ» و «عِبَادًا لَنَا» دال بر بعث و عبودیت تشریحی و اختیاری مجریان عقوبت الهی بر بنی اسرائیل می‌باشد و با توجه به عبارت «وَلْيُتَبَرَّوْا مَا عُلُوًّا تَبْتِيرًا» دلیل نابودی بنی اسرائیل تکبر آن‌ها بوده است. (رضایی کهنمویی، ۱۳۹۸: ۲۲۰-۲۰۳) در این پژوهش اثبات شده است با توجه به شهادت قرآن و احادیث قتل پیامبران، توسط بنی اسرائیل صورت گرفته است طوری که دو فساد بنی اسرائیل پیشگویی از اخبار آینده است که بر فساد فرعون برتری دارد و زمان فساد آن‌ها نزدیک به ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی) رقم خورده است و این قوم مفسد از اهالی نزدیک فارس هستند. (خوشدونی؛ مجید منتظرزاده، ۱۳۹۹: ۶۹-۴۵) با روش سبک‌شناسی لایه‌ای به تحلیل سطوح آوایی، بلاغی، نحوی، واژگانی و ایدئولوژیک سوره اسراء همچنین استخراج زمینه‌های سبکی به هر کدام از سطوح و ارتباط آن‌ها با روش سبک‌شناسی پرداخته می‌شود زمینه‌هایی که موسیقی درونی و بیرونی آیات سوره اسراء را فراهم می‌کند از بسامد والایی برخوردار است موسیقی حاصل از حروف و کلمات براساس مفهوم آیات به تصویر درآمده است (نارویی، ۱۴۰۰) تاکنون پژوهشی در خصوص محورهای موضوعی سوره با توجه پیوند محورهای موضوعی سوره اسراء با سور مسبحات و سوره مجاور و زوج در جهت کشف غرض اصلی سوره تألیف نشده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سوالات ذیل می‌باشد: محورهای موضوعی و غرض اصلی سوره اسراء با تکیه به سوره مجاور (نحل) و سوره زوج (کهف) چیست؟ محورهای موضوعی و غرض اصلی سوره اسراء با تکیه بر سور مسبحات چیست؟ در ادامه مطلب بدان پرداخته می‌شود.

۲- سوره‌شناسی

در سوره‌شناسی، قرآن شناسی تفصیلی از متن سوره ارائه می‌شود قرآن کریم تشکیل شده از ۱۴ سوره با محورهای موضوعی گوناگون اما جامع و واحد از سوی خداوند می‌باشد، فهم چنین آیات با سوره‌هایی از این کتاب و حیانی این سور نیازمند تدبر و بررسی است تا جایگاه و اهداف هر یک از سور شناخته شوند. علم سوره‌شناسی امروزه به عنوان یکی از رشته‌های نوین در زمینه علوم قرآن شناخته شده است و شبیه‌ترین انواع سنتی علوم قرآنی به

این علم نوین دو علم «فضائل القرآن» با زیر شاخه «فضائل السوره» و «خواص القرآن» با زیر شاخه «خواص الایات و السور» محسوب شده‌اند و در منابع تاریخی از علم سوره‌شناسی با عنوان خصائص السور معرفی شده است این علم برخلاف علم تفسیر به شرح و توضیح هر آیه به ترتیب سور و بازشناسی یکایک سوره‌های قرآن کریم پرداخته است همانطور که آموزه‌های پیامبر (ص) و معصومین (ع) در جهت ترویج قرآن به طور صریح واقعیت دارد. در علم سوره‌شناسی هدف آن است که به حصار کشیده شده دور مجموعه آیات هر سوره شناخت پیدا کرد تا چستی سوره را کشف نماییم و به دنبال آن هستیم که بدانیم این سوره چه هویتی دارد در حالی که بقیه سوره‌ها ندارند زمانی که به هویت یکایک سوره‌های قرآن کریم اهداف و محورهای موضوعی اصلی از حکمت الهی پی بردیم و فهم آیات برای ما آسانتر خواهد شد. علم سوره‌شناسی از جنبه‌های گوناگون تخصصی، علمی و کاربردی برخوردار است پیشینه این علم به زمان پیامبر (ص) برمی‌گردد غرض پیامبر (ص) اینگونه بود که مردم با قرآن به صورت جزئی مانوس شوند و پیروان زیادی را جلب نمایند علاوه بر اینکه در این علم به حکمت الهی از نزول سوره کشف خواهد شد همچنین در این علم است که فرقان بودن سوره‌های قرآن کریم اثبات می‌شوند چنانچه سوره‌ها مانند زنجیره به هم متصل و در پرتوی سوره‌های زوج و مجاور است که میتوان سوره مورد نظر را بهتر و دقیق‌تر شناخت. سوره‌شناسی و قرآن‌شناسی تفصیلی در مقابل قرآن‌شناسی اجمالی به دنبال اطلاعات زیادی است مانند: سوره اسراء با چه نامهایی معروف است؟ چرا این سوره به اسراء معروف است؟ محورهای موضوعی سوره اسراء کدامند؟ ارتباط محورهای موضوعی با اهداف سوره چیست؟ تناسب نام سوره با محورهای موضوعی چیست؟ سوره اسراء با کدام یک از سوره‌های قرآن کریم ارتباط دارد؟ سوره زوج و مجاور سوره اسراء کدامند؟ قرائت سوره اسراء چه آثار و برکاتی دارد؟ سوره اسراء چه نقشی در زندگی بشر دارد؟ ماهیت و حقیقت سوره اسراء چیست؟ سوره مسبحات چه ارتباط و پیوندی با یکدیگر دارند؟ تفاوت علم سوره‌شناسی با علم تفسیر در چیست؟ (همان: ۱۸۷-۱۷۴)

۳- سیمای سوره اسراء

سوره اسراء هفدهمین سوره از مصحف شریف دارای ۱۱۱ آیه، ۱۵۳۳ کلمه و ۶۴۶۰ حرف در جزء ۱۵ و به ترتیب نزول چهل و نهمین سوره از سور مکی می‌باشد. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۹/۱) در مدنی بودن این سوره نیز اختلاف نظر است؛ بعضی سوره اسراء جزء دو آیه (۷۶-۵۴) مکی دانسته‌اند و بعضی دیگر غیر از دو آیه مذکور دو آیه دیگر (۸۰-۶۰) را مدنی دانستند مقاتل نیز پنج آیه (۱۰۷-۸۰-۷۶-۷۳-۶۰) را مدنی شمرده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۸) از ابن عباس روایت شده سوره اسراء مکی است جز هشت آیه (۸۰-۷۳) آن مدنی است (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۷/۳، بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۴۷/۳، سلطان علی شاه، ۱۴۰۸:

۴۳۱/۲، جرجانی، ۱۴۳۰: ۱۹۷/۲) قتاده نیز هشت آیه مذکور را مدنی دانسته است. (میبدی، ۱۳۷۱: ۴۷۸/۵) برخی دیگر چنین گفته‌اند سوره اسراء مکی است به جز آیات (۸۰الی ۷۳- ۵۷-۳۳-۳۲-۲۶) مدنی دانسته‌اند. (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۱۵۴/۵، زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۴۶/۲) از طرف دیگر در تعداد آیات سوره نیز اختلاف نظر است؛ به نظر کوفیان ۱۱۱ آیه و به نظر بصری و مدنی ۱۱۰ دارد زیرا کوفیان «لِلأَذْقَانِ سُجْدًا» پایان آیه جزء آیه ۱۰۷ دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۵: ۴۳۵/۳، طوسی، بی تا: ۴۴۳/۶) اما نظر صحیح آن است که سوره اسراء دارای ۱۱۱ آیه و در مکه نازل شده است چون هیچ دلیلی وجود ندارد که این آیات در مدینه نازل شده باشد. زمان نزول این سوره سال یازدهم بعثت به عبارت دیگر یک سال و دو ماه قبل از هجرت در مکه بر پیامبر (ص) نازل شد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۳/۱۲) این سوره علاوه بر نام اسراء به نامهای سبحان و بنیاسرائیل نیز معروف است. (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۲۷۳/۸) در سوره اسراء موضوعات متعددی مطرح شده است عبارت‌اند از: نبوت پیامبر (ص)، معاد، کیفر و پاداش اعمال انسان، داستان بنی اسرائیل در ابتدا و انتهای سوره، آزادی اراده و اختیار انسان، حساب و کتاب انسان در دنیا مقدمه ای برای ورود به آخرت، رعایت حقوق والدین و خویشاوندان و تهی دستان، حرام شمردن اموری مانند اسراف و تبذیر و بخل، فرزندکشی و زنا (در جاهلیت رواج داشته است)، نهی از خوردن مال یتیم، کم فروشی، تکبر و خونریزی، مادی دانستن ملائکه خداوند توسط مشرکان، دعوت به توحید و خداشناسی، مبارزه با شرک، برتری انسان بر سایر مخلوقات، شفا و رحمت بودن قرآن، اعجاز قرآن، اجتناب از وسوسه‌های شیطانی، بیان تعلیمات اخلاقی، معجزه بودن قرآن و در پایان از سرگذشت پیامبران صحبت شده است. (مکارم، ۱۳۷۱: ۵-۶/۱۲)

۴- مقایسه سور زوج و مجاور سوره اسراء

در محور سوره‌شناسی یکی از رویکردهای پیوند سور با یکدیگر توجه به سوره زوج و مجاور است. براساس چینش توقیفی بودن سوره‌های قرآن مراد از سور مجاور اسراء، سوره ما قبل سوره اسراء یعنی سوره نحل است و مراد از سور مجاور اسراء، سوره ما بعد سوره اسراء یعنی سوره کهف می‌باشد (نک. لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۲) با پیوند سوره‌ها به یکدیگر می‌توان پیام اصلی سوره مدنظر را بهتر فهمید. در ادامه مطلب بدان پرداخته می‌شود.

۵- محورهای موضوعی سوره زوج (سوره نحل)

سیاق	موضوع	آیات
سیاق اول	توحید	(۲۱-۱)
سیاق دوم	پاسخ مشرکان به شبهات باطل خود	(۴۰-۲۲)

آیات	موضوع	سیاق
(۶۴-۴۱)	تبیین نادرست بودن عقاید مشرکان	سیاق سوم
(۷۷-۶۵)	دعوت به توحید	سیاق چهارم
(۸۹-۷۸)	سرانجام مشرکان	سیاق پنجم
(۱۰۵-۹۰)	دعوت مشرکان به طاعت از دستورات خداوند	سیاق ششم
(۱۱۱-۱۰۶)	واکنش مشرکان از عدم فرمانبرداری خداوند	سیاق هفتم
(۱۲۸-۱۱۲)	اجتناب از حرام دانستن نعمات الهی	سیاق هشتم

با توجه به سوره نحل چنین برداشت می‌شود فقط خداوند شایسته‌ی پرستش است، آفرینش و تدبیر جهان و انسان خداوند است و از طرف دیگر نعمت‌های بسیاری را به انسان عطا کرده است تا یگانگی خداوند اثبات شود اما گروهی از انسان‌ها عقاید باطلی داشتند به عنوان نمونه معتقد بودند قرآن از خرافات گذشته‌گان است، خواست خداوند باعث شرک ورزیدن ما شده است همچنین معاد را منکر شدند به عبارت زنده شدن پس از مرگ را قبول نداشتند در مقابل دسته‌ی دیگری از انسان‌ها بودند که عقاید متفاوتی داشتند به عنوان نمونه خضوع در برابر خداوند، مالک تمام هستی دانستن خداوند، فرزند داشتن خداوند را نشانه‌ی جهل انسان میدانستند، از طاعت شیطان سرپیچی نموده اند؛ خداوند به دسته‌ی اول یعنی مشرکان در روز قیامت هیچ مهلتی نمی‌دهد و به خسران و غضب الهی دچار می‌شوند. پس باید تنها از خداوند اطاعت شود حتی به حلال و حرام الهی توجه کرد. (نک. طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۹۵/۱۲-۵۳۹) من هدی القرآن نیز در آیات ابتدایی سوره به موضوع توحید توجه داشته است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۷/۶) علاوه بر آن، ابن عاشور در آیات ابتدایی سوره به مسئله‌ی توحید اشاره کرده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۷۵/۱۳)

۶- محورهای موضوعی سوره اسراء

آیات	موضوع	سیاق
۱	معراج	سیاق اول
۸-۲	نزول تورات	سیاق دوم
۲۲-۹	نزول قرآن و تأکید بر موضوع معاد	سیاق سوم
۳۵-۲۳	ده فرمان الهی	سیاق چهارم
۳۹-۳۶	مبارزه با تکبر و شرک	سیاق پنجم
۵۵-۴۰	بیان عقاید باطل مشرکان	سیاق ششم
۶۵-۵۶	نفی الوهیت	سیاق هفتم
۶۹-۶۶	ناسپاسی بندگان در نعمات الهی	سیاق هشتم

سیاق	موضوع	آیات
سیاق نهم	انسان برترین مخلوق خداوند	۷۰-۷۲
سیاق دهم	انکار توحید و معاد	۷۳-۸۱
سیاق یازدهم	اعجاز قرآن	۸۲-۱۰۰
سیاق دوازدهم	اعراض مشرکان از معجزات	۱۰۱-۱۱۱

در سوره مذکور به بسیاری از معجزات الهی پرداخته شده است مانند: معراج پیامبر (ص)، نزول تورات بر حضرت موسی (ع)، نزول قرآن بر پیامبر (ص) و نزول معجزات نه گانه بر حضرت موسی (ع) می‌باشند هدف همه‌ی موارد مذکور دعوت به توحید است. درحالی که مشرکان نسبت به معجزات کفر ورزیدند و برای خود عقایدی باطلی رواج دادند در نتیجه معبودان گوناگونی را مورد پرستش قرار دادند (نک. طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳/۱۳-۳/۱۲) آیه ابتدایی سوره اسراء در تفسیر نمونه و تفسیر احسن الحدیث، داستان معجزه‌ی معراج پیامبر (ص) مطرح شده است. (مکارم، ۱۳۷۱: ۷/۱۲، قرشی، ۱۳۷۵: ۹/۶)

۷- محورهای موضوعی سوره مجاور (سوره کهف)

سیاق	موضوع	آیات
سیاق اول	دنیاپرستی مشرکان	(۸-۱)
سیاق دوم	بیان داستان کهف	(۲۶-۹)
سیاق سوم	وظایف پیامبر (ص) در برابر کافران	(۳۱-۲۷)
سیاق چهارم	فرجام بد دنیا پرستان	(۴۶-۳۲)
سیاق پنجم	نابودی دنیا	(۵۹-۴۷)
سیاق ششم	تبیین داستان حضرت موسی و حضرت خضر	(۸۲-۶۰)
سیاق هفتم	تبیین داستان ذوالقرنین	(۱۰۲-۸۳)
سیاق هشتم	دور بودن دنیا پرستان از الطاف خداوند	(۱۰۸-۱۰۳)
سیاق نهم	نامحدود بودن الطاف خداوند	(۱۰۹)
سیاق دهم	توحید، نبوت و معاد	(۱۱۰)

با توجه به سوره کهف اینگونه برداشت می‌شود دنیا نابود شدنی است و نباید به آن دل بست. مشرکان عامل شرک خود را وابستگی به دنیا دانسته‌اند علت بیان داستان اصحاب کهف در این سوره نیز نشان‌دهنده‌ی نابودی دنیا و حقانیت قیامت است. پیامبر (ص) در برابر مشرکان به تلاوت قرآن می‌پردازد و از کافران اجتناب می‌ورزد همچنین بیان داستان حضرت موسی (ع) و حضرت خضر (ع) نیز نشانه‌ی عدم وابستگی به دنیا می‌باشد، بیان داستان ذوالقرنین در این سوره نیز به ناکام بودن مشرکان دنیاپرست اشاره دارد اما باید به

جای وابستگی و دل‌بستگی به دنیا به خداوند توجه بیش از حد داشت و تنها خداوند را لایق پرستش دانست. (نک. طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۲۵-۵۵۷) در تفسیر نمونه نیز به سه داستان حضرت موسی (ع) و حضرت خضر (ع) و ذوالقرنین اشاره شده است. (مکارم، ۱۳۷۱: ۳۳۸/۱۲)

۸- محورهای مشترک سوره زوج و مجاور و سوره اسراء

ردیف	محورهای موضوعی با تکیه بر سوره زوج و مجاور
۱	دعوت به توحید خداوند و نفی الوهیت متعدد
۲	بیان شبهات باطل مشرکان علیه قرآن و پیامبر (ص)
۳	عدم قدرت و مالکیت معبودان باطل

در این گام به تبیین و تحلیل محورهای موضوعی مشترک سه سوره مذکور پرداخته می‌شود.

۸-۱- دعوت به توحید خداوند و نفی الوهیت متعدد

موضوع آیه شریفه ﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا﴾ (اسراء/۲۲) دعوت به سوی خداپرستی و نفی از الوهیت متعدد خطاب به پیامبر (ص) و امت اوست است زیرا اگر انسان‌ها با خداوند معبودهای دیگری را پرستش کنند نزد خداوند در دنیا و آخرت نکوهیده و بی‌یار و یاور می‌شوند و هیچ‌یک از معبودان باطل آن‌ها را حمایت نکرده‌اند. نظر برخی بر آن است در کنار الله هرگز معبودی دیگری قرار مده نه اینکه بگویند معبود دیگری را پرستش مکن اگر انسان‌ها برای خداوند شریک قائل شدند زیرا سه اثر بد در آن‌ها خواهد گذاشت؛ باعث ضعف و ناتوانی آن‌ها می‌شود، مایه نکوهش است و بدون یار و یاور ماندن آنها می‌باشد در آیه بعد ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا يَاَهُ...﴾ (اسراء/۲۳) نیز این مبحث تکرار شده است نشان‌دهنده اهمیت داشتن این موضوع است. (مکارم، ۱۳۷۱: ۷۲-۷۳/۱۲) همچنین در آیات دیگر نیز این بحث تکرار شده است از آیات شریفه ﴿قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ (اسراء/۴۲-۴۳) برداشت می‌شود با خدا معبودان گوناگون وجود ندارد تنها معبود اصلی و شایسته‌ی پرستش خداوند است اگر چنین باشد هر کدام از معبودان برای اینکه بر دیگری برتری جویی کنند تا خود را به عرش رسانند و تلاش کرده‌اند تا قدرت را از خداوند تصاحب کنند و خود را به درجه‌ی اعلا رسانند درحالی که خداوند از داشتن شریک منزه است لذا باید خدا را از داشتن هرگونه معبود باطل منزه دانست همان‌طور که گفتند. (قرشی، ۱۳۷۵: ۷۶-۷۷/۶) همچنین خداوند در آیات شریفه ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِن قُتِلْتُمْ كَانَتْ خَطَايَا كَبِيرًا. وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا. وَلَا تَقْتُلُوا

النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا. وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا. وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا. وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦-٣١﴾ (اسراء ۳۶-۳۱)

از عقاید رایج جاهلیت نهی کرده است آنچه از این آیات برداشت می‌شود امر و نهی از اموری که انجام آن نزد خداوند نیکو و ناپسند است این امور عبارت‌اند از: نهی از فرزند کشی چون رزق دهنده تمامی انسان‌ها صاحب و مالک آن‌ها (خداوند) است از طرف دیگر کشتن فرزند به هر دلیل نزد خداوند گناه بزرگ محسوب شده است، نهی از نزدیک شدن به زنا است زیرا عمل زنا نزد خداوند زشت و بسیار بد است، نهی از قتل نفس اگر شخصی به ناحق گفته شود خداوند برای ورثه‌ی شخص مقتول حقی را تعیین کرده است از طرف دیگر برای شخص قاتل صورت اعتدال در نظر گرفته شده است، نهی از تصرف بی‌مورد در مال یتیم چون تا زمانی که فرد یتیم به سن بلوغ نرسد جز آنکه به بهترین شیوه و با رعایت عهد و پیمان شخص دیگری عهده دار آن شود چون روز قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد نکته‌ی مذکور وجود معاد را اثبات کرده است، سفارش به سنجش صحیح اجناس زیرا عاقبت و سرانجام آن نیکو خواهد بود در پایان خداوند بندگان خود را از آنچه علم ندارند نهی کرده است زیرا اعضای بدن آن‌ها اعم از گوش، چشم و دل مورد بازخواست قرار می‌گیرد (نک. مکارم، ۱۳۷۱: ۱۱۷/۱۲-۱۱۰) در سوره نحل نیز درباره‌ی پرستش‌الله بحث شده است در آیات ابتدایی ﴿آتَىٰ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ. يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونَ. خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (نحل ۳-۱) سوره نحل خداوند فرشتگان را نازل کرد تا بندگان را به سوی خدا دعوت و از پرستش هر گونه معبود دیگری نهی کنند و تنها تقوای الهی را پیشه کنند چون خداوند همان آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین است و مقام خداوند منزّه و برتر از هر چیزی است که بندگان برای او شریک قائل باشند پس بنابراین باید از پرستش هر گونه شریک در کنار خداوند نهی کرد. (طیب، ۱۳۶۹: ۸۳/۸-۸۰)

در آیات شریفه ﴿وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ. وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ. وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ. أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ. إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ. لَا جَرَمَ أَنْ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا يَسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ (نحل/ ۲۴-۱۸) ابتدا صفات خدا بیان شده است؛ منعم بودن؛ نعمت‌های خداوند آن چنان بی‌شمارند که هیچ‌کس قادر به شمردن آن‌ها نیست، عالم بودن؛ از تمام امور آشکار و پنهان آگاه است و خالق بودن خداوند؛ تمام مخلوقات جهان آفریده‌ی خداوند می‌باشند با وجود چنین خداوند عظیم قدرتی مشرکان معبودان باطل متعددی را پرستش

می کردند و ویژگی این معبودان باطل عبارت‌اند از: عدم توانایی آفریدن چیزی، مخلوق بودن معبودان، بی‌جان بودن معبودان باطل و عدم اطلاع از زمان قیامت. با این وجود تنها الله شایسته‌ی پرستش است چون معبودان باطل خود نیازمند پرستش‌اند و تمام ویژگی‌هایی که آن‌ها دارند متعلق به مخلوقات خداوند است کسانی که معبودان را پرستش می‌کنند در واقع به آخرت ایمان ندارند و به عبارت دیگر دل‌هایشان حق را انکار کرده در نتیجه خداوند چنین قومی را مستکبر خوانده است و از طرف دیگر نسبت به آن‌ها بیزار است چون هنگامی که از نزول معجزات مانند قرآن کلام و حیانی خداوند از مشرکان سوال می‌شود آن‌ها فرستاده‌های الهی را با خرافه و دروغ منکر شدند و از پذیرش حق سرپیچی نمودند باید گفت پیام اصلی آیات مذکور دعوت به توحید و نهی از الوهیت متعدد است. هر چند که نظر مفسران گفته‌ی مذکور را تایید می‌کند ممکن است اندکی تفاوت داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۳۳۴-۳۲۲، طبرسی، بی‌تا: ۱۳/۲۴۵-۲۴۱، مغنیه، ۱۳۷۸: ۴/۷۸۴-۷۷۹، کاشانی، بی‌تا: ۵/۱۸۴-۱۸۲، امین، بی‌تا: ۷/۱۸۰-۱۷۴) و از هی اساطیر به واژه اولین وصف شده است تا مشرکان اثبات کنند خداوند آنچه را بر انبیاء نازل کرده است جدید نیست چون ادعا کردند توانایی آوردن همانند آن را دارند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۱/۱۹۹-۱۹۰)

آیات شریفه ﴿فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ. وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمَنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمَنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ. إِنْ تَحَرَّصَ عَلَيَّ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يَضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ. وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِي بَلَى وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (نحل / ۳۸-۳۴) در ادامه بحث آیات پیشین نازل شده است خداوند مشرکان را به خاطر بدیهایشان به کیفر خود رساند از آنجایی که عذاب خداوند حتمی و قطعی است عذاب برای مشرکان نازل شد چون همواره آیات الهی را تمسخر می‌کردند و از روی جهل و نادانی به خداوند شرک می‌ورزند اعتقادشان این گونه بود اگر خواست خدا بود نه ما و نه پدرانمان هیچ کس را جز الله نمی‌پرستیدیم و هیچ حکمی بدون اذن خداوند حرام شمرده نمی‌شد همچنین کسانی که پیش از مشرکان بودند برابر حق سرکشی کردند درحالی که خداوند برای هر امتی پیامبرانی فرستاد تا امت خود را به سوی خداشناسی دعوت نماید و وظایف آنها چیزی جز ابلاغ فرمان الهی نیست از پذیرش دستورات شخصی مانند طاغوت اجتناب ورزند در چنین مواقعی انسان‌ها به دو دسته تقسیم شدند گروهی هدایت یافته و گروه دیگر گمراه شدند لذا بعد از اینکه منکر توحید شدند بر اثر نادانی شان منکر معاد شدند درحالی که نمی‌دادند یکی از وعده‌های حقیقی خداوند وجود معاد است، در ادامه به نظر مفسران در این باره پرداخته می‌شود (نک. طبرسی، بی‌تا: ۱۳/۲۶۰-۲۵۲، رازی، ۱۴۰۸:

۳۳/۱۲، کاشانی، بی تا: ۱۹۰/۵-۱۸۸، امین، بی تا: ۱۹۳/۷-۱۸۸) در شان نزول آیه ۳۸ گفته شده است دو مرد مسلمان و مشرک با یکدیگر به گفتگو پرداختند مرد مسلمان از زندگی بعد از مرگ سخن گفت اما اعتقاد مرد مشرک این بود هیچ مرده‌ای بعد از مرگ زنده نمی شود و سپس آیه مذکور نازل گردید. (رازی، ۱۴۰۸: ۳۴-۳۵/۱۲) نظر برخی بر آن است زمانی که عذاب الهی بر مشرکان وارد شد اعتقادشان چنین بود که خواست خدا باعث گمراهی ما شده است چرا اگر اعمال و کردار ما مورد رضایت خداوند نبود پیامبرانی از قبل فرستاد نشدند تا پدران ما را از اعتقاد خود نهی کنند و ما نیز راه آن ها ادامه ندهیم خداوند در برابر شبهه آن سکوت نکرد پیامبران را فرستاد تا آن ها را به سوی توحید دعوت و با شرک مبارزه کنند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۲۳۰/۱۱-۲۱۹) مراد از استهزاء مشرکان عذاب های خداوند است که توسط شخص پیامبر برای انذار آن ها نازل شد از یک طرف مشرکان منکر عبودیت خداوند بودند نه منکر خالقیت و عالمیت خداوند، از طرف دیگر مرگ را فنا و نابودی خود دانستند و به همین خاطر معاد را منکر شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۶۰/۱۲-۳۴۶) نظر بعضی دیگر بر آن است بعد از اینکه مشرکان رسالت پیامبر (ص) را منکر شدند شبهه ای که اینجا مطرح است چگونه مشرکان به مشیت خداوند علم پیدا کردند درحالی که تنها خداوند از امور غیبی آگاه است. (مغنیه، ۱۳۷۸: ۴۳۱/۳) همچنین موضوع اصلی آیه شریفه ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِذَا يَأْتِي الْفَارِهُيُونَ﴾ (اسراء/۵۱) توحید و خداشناسی است همچنین منع بت پرستان از پرستش دو معبود با یکدیگر است چون تنها خداوند معبود یگانه است و باید فقط از او ترسید، این فرمان خود خداوند است و هیچ شک و تردیدی در آن نیست بنابراین دو معبود باطل است، نظر مفسران در این باره چنین است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۹۱/۱۲-۳۸۹، طبرسی، بی تا: ۲۷۴/۱۳-۲۷۳، میبدی، ۱۳۷۱: ۳۹۸/۵، بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۲۹/۳، کاشانی، بی تا: ۱۹۵/۵) نظر بعضی چنین است اگر دو معبود پرستش شود بحث ترکیب پیش می آید طوری که احتیاج جز بر کل صورت می گیرد (طیب، ۱۳۶۹: ۱۳۷/۸-۱۳۵) همه ی معبودان باطل در مقابل معبود حقیقی یک معبود باطل محسوب می شوند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۲۶۰/۱۱-۲۵۹) نظر دیگر آن است مشرکان دو اله را مورد پرستش قرار داده بودن یک اله به عنوان خالق و دیگری به عنوان تدبیر کننده جهان بود عقاید مشرکان بسیار نادرست است چون خدایی که آفریننده جهان است تدبیر جهان نیز به اختیار اوست (امین، بی تا: ۲۰۱/۷). در سوره کهف آیه شریفه ﴿هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنَ يَدَيْهِمْ لَإِظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ (کهف/۱۵) همانند آیات قبل از عقاید مشرکان بحث شده است مشرکان قوم نادان خداوند می باشند چون به جای پرستش خداوند، معبودان باطل را پرستش کرده اند و هیچ دلیل روشنی برای پرستش آن ها ذکر نکرده اند همچنین ستمکارتر از کسی که به خداوند دروغ می بندد شخص دیگری نیست همانطور که مفسران چنین نظری ارائه داده اند. (نک. مکارم، ۱۳۷۱: ۳۶۲/۱۲، طبرسی، بی تا: ۲۰-۲۱/۱۵، رازی، ۱۴۰۸:

۳۲۹/۱۲، میددی، ۱۳۷۱: ۶۵۸/۵، طبرسی، ۱۳۷۵: ۵۱۰/۳، زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۰۷/۲، قُطَب، ۱۴۲۵: ۲۲۶۲/۴) در حالی که در آیه شریفه ﴿قُلْ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَيْسُوا لَهُ غِيبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرَ بِهِ وَأَسْمَعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾ (کهف/۲۶) همین سوره گفته شده خداوند دانای همه چیز است از آنچه در آسمانها و زمین به صورت غیب وجود دارد به صورت بینا و شنوا آگاه است به همین خاطر جز الله سرپرستی بر روی زمین وجود ندارد احدی در فرمانروایی جهان هستی شریک خداوند نیست. بعضی چنین نقل کرده‌اند تنها خداوند مالک آسمان‌ها و زمین است هر ولایت مستقلی جز خداوند را انکار می‌کنند یعنی غیر خدا هیچ ولایت مستقلی ندارند و نه با ولایت خداوند شریک‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۸۵/۱۳) بنابراین خداوند در هیچ امری شریک ندارد و ذات خداوند منزله از شراکت است.

۸-۲- بیان شبهات باطل مشرکان علیه خداوند و پیامبر (ص)

در آیه شریفه ﴿أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا﴾ (اسراء/۴۰) تبیین تهمت‌های مشرکان به خداوند است مشرکان با داشتن فرزند پسر خود را بر خدا ترجیح می‌دادند و ملائکه را دختران خدا می‌دانستند به طور یقین مشرکان از روی نادانی چنین سخن ناروا و دروغی علیه خداوند نسبت داده بودند. فرزند داشتن اهانت بزرگ علیه خداوند است زیرا خداوند موجود یا جسم نیست که نیاز به بقای نسل داشته باشد از طرف دیگر مشرکان از آنچه برای خود نمی‌پسندیدند به خداوند نسبت می‌دادند تا جایی دختران را زنده بگور می‌کردند در حالی که در اسلام با چنین امری مبارزه شد. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۲۷/۱۲-۱۲۶)

در سوره نحل آنچه از آیات شریفه ﴿وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتُرُونَ. وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ. وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ. يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (نحل/۵۹-۵۶) مستفاد است خداوند روزی دهنده معبودان باطل مشرکان است چون خداوند از آنچه که به مشرکان عطا کرده است مشرکان به معبودان خود واگذار کرده‌اند و خداوند آن‌ها را به خاطر شرکشان مورد بازخواست قرار می‌دهد از طرف دیگر مشرکان برای خداوند فرزند دختر قائل بودند و فرزند پسر را برای خود برمی‌گزیدند و هنگامی که فرزند دختر به یکی از مشرکان عطا شود به شدت ناراحت و اندوهگین می‌شوند تا جایی که نمی‌دانستند چگونه از او نگهداری کنند با زلت و خواری یا زنده بگور کردن آن را خواستار بودند بنابراین در آیات مذکور از سه بدعت باطل مشرکان سخن گفته شد. سپس به نظر مفسران در این باره پرداخته می‌شود. (نک. مکارم، ۱۳۷۱: ۲۶۸/۱۱-۲۶۶، طبرسی، بی تا: ۲۷۹/۱۳-۲۷۷، طیب، ۱۳۶۹: ۱۴۳/۸-۱۴۰) نظر دیگر آن است مشرکان تنها

خدا را موثر در رزق نداشتند بلکه بتان را شریک در رزق خداوند دانستند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۰۱/۱۲-۳۹۶) با توجه به آیات شریفه ﴿فَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَانًا لِّنِّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا﴾ (اسراء/۴۰) ﴿وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَانًا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ (زخرف/۱۹) مشرکان برای خداوند فرزند دختر قائل بودند. (قرشی، ۱۳۷۵: ۴۵۷/۵-۴۵۵) آیه شریفه ﴿وَيَجْعَلُونَ لَّهُ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ﴾ (نحل/۶۲) نیز ادامه دهنده مبحث آیات گذشته است مشرکان چیزی را که برای خود مناسب نداشتند بودند مانند دختر را برای خدا قرار می دهند و با زبان‌های خود دروغ پردازی کرده بودند همچنین معتقدند با داشتن پسر سرانجام نیکو را خواهند داشت درحالی که در آتش الهی قرار می گیرند، نظر مفسران نظر مذکور را بیان کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۰۹/۱۲-۴۰۸، مکارم، ۱۳۷۱: ۲۸۳/۱۲-۲۸۲، قرشی، ۱۳۷۵: ۴۶۰/۵-۴۵۹) بعضی مراد از الحسنی را پسر دانسته‌اند. (طبرسی، بی تا: ۲۸۵/۱۳-۲۸۴، طیب، ۱۳۶۹: ۱۴۷/۸-۱۴۶)

در سوره کهف همانند دو سوره مذکور به تهمت‌های مشرکان پرداخته شده است با توجه به آیات شریفه ﴿وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا. مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا﴾ (کهف/۵-۴) مشرکان برای خداوند فرزند قائل شدند پیامبر (ص) آن‌ها را به آتش دوزخ بیم داد مشرکان از روی جهل به خدا سخن دروغ و ناروا نسبت داده‌اند نه تنها مشرکان حتی پدران آن‌ها به آنچه می گویند اعتقاد ندارند از روی نادانی به خداوند شرک می ورزیدند اعتقادشان چنین بود اگر خواست خدا بود نه ما نه پدرانمان هیچ کدام مشرک نمی شدیم و از روی نادانی می گفتند خواست خدا باعث شرک ورزیدن ما شده است تا جایی که معجزات الهی را منکر شدند به همین دلیل سخنی که از زبان آن‌ها استخراج می شود همواره دروغ است در ادامه نظر به مفسران در این باره پرداخته می شود هر چند بعضی از مفسران نظر مذکور را بیان نموده‌اند. (رازی، ۱۴۰۸: ۳۱۰/۱۲) مراد از الذین در آیه (۴) بت پرستان مسیحی و یهودی بودند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۳۴۱/۱۲-۳۴۰، طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۳۱/۱۳-۳۳۰، طیب، ۱۳۶۹: ۳۲۶/۸-۳۲۵، میدی، ۱۳۷۱: ۶۴۲/۵)

با توجه به آیات شریفه ﴿وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَلَيْسَ لِمَبْعُوثِ الْخَلْقِ جَدِيدًا. قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا. أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا﴾ (اسراء/۵۱-۴۹) مشرکان معاد را منکر شدند طوری که باور معاد برای آن‌ها سخت بود در عجب بودند از اینکه چگونه با بدن و استخوانهای پوسیده با یک آفرینش جدید برانگیخته شوند در حالی که این امر برای خداوند آسان است حتی اگر سنگ یا آهن شوند خداوند آنها را زنده می کند چون در عالم ماده ابزاری محکم تر از این دو ابزار نیست خطاب به مشرکان چنین گفته می شود همان خدایی آن‌ها اول آفرید مجددا در جهان آخرت به آنها حیات می بخشد.

(قرشی، ۱۳۷۵: ۶/ ۸۴-۸۳) اما با توجه به آیه شریفه ﴿ذَلِكْ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَلَا لِمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا﴾ (اسراء/۹۸) خداوند مشرکان را به خاطر انکار معاد و آیات الهی عذاب داد (امین، بی تا: ۷/ ۳۶۶-۳۶۵) مشرکان علاوه بر انکار معاد، رسالت پیامبران را منکر شدند آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ (نحل/۱۱۳) خداوند پیامبر (ص) را فرستاد تا انسان‌ها را به سوی هدایت دعوت کند اما مشرکان منکر رسالت پیامبر (ص) شدند و در همان حالی که ستمگر بودند مورد عذاب الهی قرار گرفتند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۱/ ۴۳۰)

با توجه به آیه شریفه ﴿وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ﴾ (نحل/۱۰۳) مشرکان منکر قرآن (معجزه‌ی الهی) شدند آن‌ها معتقدند آیات الهی توسط بشری به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است و زبان آن شخص هم غیر عربی است خداوند به شبهه‌ی آن‌ها را چنین پاسخ رد می‌دهد زبان عربی فصیح است پس مشرکان علیه قرآن تهمت زدند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/ ۵۰۱-۵۰۰) مفسران در این باره نظراتی را ارائه نموده‌اند؛ بعضی سه شخص را معرفی کرده‌اند که قرآن توسط آن‌ها بر پیامبر (ص) نازل شد؛ بلعام در سرزمین مکه شغل آن شمشیرسازی اصالتاً نصرانی و اهل روم بوده است، غلام رومی از قبیله بنی حضم به نام یعیش یا عایش از یاران پیامبر (ص) بود و دو غلام نصرانی یسار و جبر دارای کتاب به زبان خود بوده‌اند همچنین سلمان فارسی نیز گفته شده است اما ایشان در مدینه بودند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۱/ ۴۱۰-۴۰۸، طبرسی، بی تا: ۴/ ۵۲-۵۳) بعضی نیز مراد از آن شخص را جبریا ابوفکیه دانسته‌اند و زبان این شخص اعجمی است نه پیامبر (ص) و نه دیگر افراد زبان آن را متوجه نمی‌شوند درحالی که زبان قرآن عربی فصیح است. (کاشانی، بی تا: ۵/ ۲۲۴)

مشرکان بعد از اینکه معاد را منکر شدند با دقت در آیات شریفه ﴿وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَنْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا. أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خَلَالَهَا فَتُجِيرًا. أَوْ تَسْقُطَ السَّمَاءُ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بَالِهٍ وَالْمَلَائِكَةُ قَبِيلًا. أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرَفٍ أَوْ تُرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا﴾ (اسراء/۹۳-۹۱) رسالت پیامبر (ص) را منکر شدند چون از پیامبر (ص) معجزات حسی را خواستار شدند تا رسالت ایشان را باور کنند این درخواست‌ها عبارت‌اند از: ایجاد چشمه‌ای پرآب جوشان و روان، ایجاد باغی از درختان خرما و انگور همراه با نهر آب، پاره پاره کردن آسمان و فرود آن با خدا و ملائکه، ایجاد خانه‌ای از طلا برای خود و نزول نوشته از آسمان خداوند از تمامی درخواست‌های آن منزّه است پیامبر (ص) تنها بشری است و وظیفه‌ی ایشان هدایت انسان‌ها (مشرکان) است نه پاسخ به شبهات آن‌ها است. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۲/ ۲۸۳-۲۸۲)

۸-۳- عدم قدرت و مالکیت معبودان باطل

با دقت در آیه شریفه ﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا﴾ (اسراء/۵۶) مشرکان معبودانی را مورد پرستش قرار داده بودند این معبودان آنچنان ضعیف بودند که نه توانایی دفع آسیب و گزند از عبادت کنندگان خود داشتند و نه توانایی انتقال آسیب و گزند آن‌ها را به دیگری داشتند همانطور که مفسران چنین نظری دارند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۲/۱۶۳-۱۶۲، قرشی، ۱۳۷۵: ۶/۹۳)

در سوره نحل آیات شریفه ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ. فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/۷۴-۷۳) مشرکان به جای پرستش خداوند، معبودانی را مورد پرستش قرار دادند که آسمان و زمین مالک رزقی برای آن نیست و هیچ قدرتی هم برای مالک شدن و روزی رساندن به آن‌ها وجود ندارد پس خداوند تنها مالک جهان است و هیچ احدی جز او توانایی مالکیت جزئی از جهان را دارا نیست و نباید امثال محدود موجودات را به خداوند وصف نمود چون خداوند شبیه و ماندنی ندارد و هیچ کس جز خداوند از حقیقت ذات و صفات خود آگاه نیست این در حالی ست که هیچ کس از آن اطلاع ندارد. مفسران نیز نظر مذکور را تایید نموده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۴۳۲-۴۳۱، طبرسی، بیتا: ۱۵/۱۴، طیب، ۱۳۶۹: ۸/۱۵۷-۱۵۶، قرشی، ۱۳۷۵: ۵/۴۷۲) همانطور که آیات شریفه ﴿فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (شوری/۱۱) ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (توحید/۴) نیز دلالت بر عدم چیزی مانند خداوند دارند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۱/۳۲۴-۳۲۲)

آیه شریفه ﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ (نحل/۸۶) زمانی که صحنه‌ی قیامت فرارسد مشرکان برای اینکه بخشی از عذاب خود را کم کنند در مقابل خداوند معبودان باطل (شریکان خدا) دیدار کرده و آن‌ها را عامل گمراهی خود دانسته‌اند سپس خطاب به خداوند چنین می‌گویند در دنیا به جای پرستش الله، پرستش معبودان باطل در اولویت قرار گرفته بود معبودان نیز در برابر خداوند از خود دفاع کرده و گفته‌اند مشرکان دروغ‌گو هستند و سبب گمراهی آن‌ها هوای نفسشان بوده است بنابراین مشرکان در روز قیامت با معبودان باطل خود محشور می‌شوند هرچند که نظر برخی دیگر نیز چنین است (قرشی، ۱۳۷۵: ۵/۴۸۳، طیب، ۱۳۶۹: ۸/۱۷۲-۱۷۰) در ادامه به نظر مفسران در این باره بیان می‌شود؛ برای معرفی معبودان باطل باید گفت بت‌های مشرکان شریکان تخیلی خداوند می‌باشند نه شریکان واقعی خداوند، بت‌های بی‌جان در روز قیامت حضور پیدا می‌کنند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۱/۳۵۷-۳۵۵، طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲/۴۶۲-۴۶۱) پاسخ دیگری که معبودان باطل به مشرکان داده‌اند این گونه است مشرکان به سوی ما دعوت نشده‌اند جز اینکه با اختیار خود گمراه شده‌اند. در این آیه شریفه

﴿هُؤُلَاءِ قَوْمًا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنَ يَدَيْهِمْ مَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ (کهف/۱۵) همانند آیات قبل از عقاید مشرکان بحث شده است مشرکان قوم نادان خداوند می‌باشند چون به جای پرستش خداوند، معبودان باطل را پرستش کرده‌اند و هیچ دلیل روشنی برای پرستش آن‌ها ذکر نکرده‌اند همچنین ستمکارتر از کسی که به خداوند دروغ می‌بندد شخص دیگری نیست همانطور که مفسران چنین نظری ارائه داده‌اند. (نک. مکارم، ۱۳۷۱: ۳۶۲/۱۲، طبرسی، بی‌تا: ۲۱/۱۵-۲۰، رازی، ۱۴۰۸: ۳۲۹/۱۲، میدی، ۱۳۷۱: ۶۵/۵، طبرسی، ۱۳۷۵: ۵۱۰/۳، زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۰۷/۲، قطب، ۱۴۲۵: ۲۲۶۲/۴)

جمع‌بندی: در سوره اسراء همانند سوره نحل خداوند بندگان خود را به خداپرستی و نهی از پذیرش الوهیت متعدد دعوت نموده است اگر انسان‌ها از امر خداوند سرپیچی کنند در دنیا و آخرت نکوهیده خواهند بود بعد از این امر مهم خداوند بندگان خود را از یکسری مسائل از جمله: فرزندکشی، نزدیکی به زنا، قتل نفس، تصرف نامناسب در مال یتیم و پذیرش نادانی نهی کرده است و به یکسری مسائل مانند رعایت عهد و پیمان و سنجش صحیح سفارش نموده است و با اطاعت کردن انسان‌ها از دستورات خداوند بهترین سرنوشت و عاقبت برای آنها رقم می‌خورد در میان بندگان خداوند مشرکان عقایدی باطلی رواج دادند از جمله آن‌ها معرفی ملائکه به عنوان دختران خداوند است از آنجایی که مسئله‌ی توحید بسیار مهم و با اهمیت است و مجدد به این مسئله تاکید شده است و خداوند منزّه است از آنچه مشرکان به او نسبت می‌دهند چون اگر خداوند شریک داشته باشد هر کدام از شریکان برای اینکه خود را به خداوند یا مقام عرش رسانند تلاش می‌کنند تا قدرت را از الله بگیرند و خود را به درجه والای الوهیت رسانند اما معبودان آنچنان ضعیف و ناتوان می‌باشند که نمی‌توانند آسیبی از عبادت کنندگان خود نهی کنند مشرکان همچنان به عقاید خود ادامه می‌دهند تا جایی که معاد و رسالت پیامبر (ص) را منکر می‌شوند چنین می‌گفتند چگونه با استخوان‌های پوسیده برانگیخته شویم و مشرکان برای اینکه رسالت پیامبر (ص) را پذیرا شوند از ایشان درخواست‌هایی می‌کنند تا پیامبر (ص) مطیع فرمان‌های آن‌ها شوند درحالی که هدف نزول پیامبر (ص) چیزی جز هدایت بشر نیست.

۹-۲- سور مسبحات

از میان ۱۱۴ سوره قرآن کریم هفت مورد آن عبارت‌اند از: (سوره اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی) به سور مسبحات معروف می‌باشند شایان ذکر است که سوره اسراء نخستین سوره از این گروه بشمار آمده است علت اینکه سوره‌های مذکور به سوره مسبحات معروف و مشهورند این است که همچنین تمامی آن‌ها با تسبیح خداوند آغاز شده‌اند. (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۴: ۱۱۲-۱۱۰)

یکی از راه‌های پیوند سور قرآن توجه به سور مسبحات می‌باشد. بررسی و تطبیق این سور

با یکدیگر باعث شناخت بهتر و دقیقتر سوره‌ی مورد نظرمان می‌شود، در ادامه محورهای موضوعی سوره اسراء با دیگر سوره‌های مسبحات مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱۰- محورهای موضوعی سوره اسراء بر اساس سوره مسبحات

یکی دیگر از راه‌های ارتباطی سوره‌های قرآن توجه به پیوند سوره مسبحات با یکدیگر است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

ردیف	محورهای موضوعی با تکیه بر سوره مسبحات
۱	توجه و اهمیت به شخصیت پیامبر (ص)
۲	توجه به داستان یهود
۳	معاد
۴	بیان عقاید باطل مشرکان
۵	دعوت به توحید و نفی الوهیت

۱۰-۱- توجه و اهمیت به شخصیت پیامبر (ص)

سوره اسراء با تسبیح خداوند آغاز شده است علاوه بر آن به یکی از مسائل مهم و اساسی اصول دین یعنی نبوت پیامبر (ص) ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء/۱) پرداخته شده است. پیامبر (ص) در ابتدا به تسبیح خداوند مشغول بودند و به وسیله این امر مهم به امری دیگری یعنی بندگی نائل شدند و تنها هدف ایشان پرستش خداوند بوده است در این هنگامی بود که به وسیله‌ی فرشته وحی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر کردند تا با اراده‌ی خداوند بخشی از آیات الهی را مشاهده کنند و به طور یقین خداوند نسبت به تمام اعمال و کردار پیامبر (ص) آگاه است به عبارت دیگر تمام اعمال عبادی ایشان را می‌شنود و می‌بیند پیامبر (ص) به عنوان بنده‌ی خاص خداوند معرفی شد و به همین دلیل در سراسر آیات قرآن از ایشان سخن گفته شده است. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۰/۱۲-۷) همچنین آیه شریفه ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾ (اسراء/۷۹) خطاب به پیامبر (ص) نازل شده است شب زنده داری ایشان نشانگر تاکید بیشتر در عبادت کردن خداوند می‌شود که به عنوان بند حقیقی خداوند شناخته شدند و به وسیله‌ی حمد خداوند در جایگاه پسندیده‌ای مبعوث شدند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۲۴۲) در سوره حدید آیه شریفه ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ. وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (حدید/۸-۷) بعد از ایمان به خداوند ایمان به پیامبر (ص) در الویت قرار گرفته است و انسان به عنوان جاشین پیامبر (ص) بر روی زمین باید از دستورات و فرمانهای ایشان

استفاده و اطاعت کند از طرف دیگر یکی از دستورات خداوند و پیامبر (ص) به انسان‌ها سفارش به امر انفاق می‌باشد اگر انسان شخصی به به خداوند و پیامبرش (ص) ایمان آورد دست خود را از انفاق کردن گشاده می‌کند و خداوند نیز برای چنین شخصی پاداش بزرگی تعیین می‌کند. بعضی معتقدند آیه مذکور در جنگ تبوک نازل شده است از آثار ایمان، ایمان به خدا، پیامبر (ص) و انفاق می‌باشد، افرادی که مومن تلقی می‌شوند مال خود را مال خداوند دانسته‌اند به عبارت دیگر تنها مالک واقعی هستی را خداوند می‌دانند و بر خود طاعت از دستورات خداوند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را واجب کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶۷-۲۶۵/۱۹) همچنین در آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ (حدید/۱۹) خداوند درجه‌ی کسانی که از او و پیامبر (ص) اطاعت می‌کنند به گواهان نزدیک کرده است و پاداش نیک خود را می‌بینند در مقابل آن‌ها دسته‌ی دیگر که به آیات الهی کفر می‌ورزند اهل آتش می‌دانند. نظر بعضی دیگر نیز چنین است مراد از صدیقون کسانی هستند که ملکه‌ی صدق در گفتار و کردارند و مراد از شهداء گواهان اعمال انسان در روز قیامت‌اند به عبارت دیگر مراد از صدیقون و شهداء مومنان می‌باشند و مومنان به خاطر ایمانشان به صدیقان و شهداء می‌پیوندند و نزد خداوند منزلتی والا دارند همچنین اجر مومنان نیز مطابق اجر گواهان می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸۷/۱۹-۲۸۵) در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُلِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (حدید/۲۸) نیز به طاعت از خداوند و پیامبر (ص) سفارش شده است. (همان: ۳۰۶-۳۰۵)

در سوره صف ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ * تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرُسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (صف/۱۰-۱۱) کسانی که به خدا و پیامبر (ص) ایمان می‌آورند از عذاب الهی در امان می‌مانند همچنین در راه خداوند با مال و جان خود به جهاد می‌پردازند. قول مفسران نیز بدین شرح است رهایی از عذاب خداوند لازمه‌ی ایمان به خدا و پیامبر (ص) می‌باشد اگر ایمان انسان واقعی و درونی باشد و به قلب او سرایت کند در راه خداوند با مال و جان خود مجاهده می‌کند به عبارت دیگر مبارزه با مال مانند انفاق در راه خداوند و مبارزه با نفس مانند مبارزه با کفار می‌باشد. (امین، بی‌تا: ۱۳ / ۲۸۱-۲۸۰)

در سوره جمعه آیه شریفه ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذَلِكُمْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (جمعه/۴-۲) خداوند از میان بیسوادان رسولی را برانگیخت تا آیات خود را بر مردم عرب بخواند و به وسیله‌ی کتاب الهی آنها را پاک گرداند همچنین کتاب و حکمت را به آنها آموخت قطعا پیش از نزول کتاب

الهی در گمراهی آشکار به سر می بردند چون از آن اطلاعی نداشتند و به آن نپیوسته بودند قطعاً خداوند شکست ناپذیر و با حکمت است مقام نبوت و رسالت از فضل خداوند است و به هر کس که بخواید عطا می کند و خداوند دارای فضل بسیار است. با توجه به گفته‌ی مفسران مراد از امیین بی-سوادان عرب می باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۴۸/۱۹-۴۴۵)

در سوره تغابن آیه ﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿نحل/ ۱۲-۸﴾ به طاعت خداوند، پیامبر (ص) و قرآن سفارش شده است از طرف دیگر خداوند به تمام اعمال انسان آگاه است و اگر کسی از طاعت آن‌ها سرپیچی کند وظیفه‌ی در برابر آنها پیامرسانی به صورت آشکار است. با توجه به گفته‌ی دیگران طاعت از خداوند در احکام پیامبر (ص) در باب چیزهایی است که از باب ولایت فرمان داده شده است. (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۹۶/۱۱)

۱۰-۲- توجه به داستان یهود

از آنجایی که سوره اسراء معروف به سوره بنی اسرائیل است از آیات ابتدایی سوره ﴿وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا يَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا. ذُرِّيَّةً مِّن حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا. وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا. فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا. ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا. إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتَبِيرًا. عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُمْ عُدتُمْ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾ (اسراء/ ۸-۲) چنین برداشت می شود خداوند تورات را به حضرت موسی (ع) نازل کرد تا به وسیله‌ی آن بنی اسرائیل را هدایت کند و جز خدا را وکیل و کارساز امور نگیرند از طرفی بنی اسرائیل از نسل حضرت نوح (ع) بودند و این پیامبر بنده‌ی سپاسگزار خداوند بود اما در کتاب تورات از دو فساد بنی اسرائیل پیشبینی شده است بنی اسرائیل در برابر طاعت خداوند سرکشی کردند طوری که ادعای برتری جویی کردند و دست به فساد زدند هنگامی که آنها فساد بپا می کنند خداوند بندگان سخت خود را علیه آنها برمی انگیزد تا انتقام آن‌ها را بگیرند اما خداوند برای اینکه قوم بنی اسرائیل را نجات دهد به اموال و اولاد آن‌ها می افزاید تا بتوانند از خود دفاع کنند و اگر عمل نیک یا بدی را مرتکب شوند نتیجه‌ی آن را خواهند دید اگر عمل بدی را مرتکب شدند با توبه کردن مورد بخشش قرار می گیرند و اگر به فساد و طغیان خود ادامه دهند جایگاه آن‌ها دوزخ خواهد بود. (قرشی، ۱۳۷۵: ۳۵/۶-۳۱)

در آیات انتهایی سوره ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاَسْأَلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا. قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمَا أَنزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبَّ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مُثْبُورًا. فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفْزَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا. وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿۱۰۴-۱۰۱﴾ (اسراء/۱۰۴-۱۰۱) از داستان بنی اسرائیل سخن گفته شده است خداوند از نه معجزه‌ی روشن به حضرت موسی (ع) نازل کرد اما فرعون حضرت موسی (ع) را جادو شده تلقی کرد درحالی که فرعون می‌دانست این معجزه‌ها جز از طرف خداوند نازل نشده است و حضرت موسی (ع) او را هلاک شده تصور نمود فرعون پس از شنیدن سخن حضرت موسی (ع) تصمیم به اخراج ایشان و قومشان از سرزمین مصر گرفت این در حالی بود که فرعون و قومش در آن سرزمین غرق شدند و خداوند به بنی اسرائیل فرمود در آن سرزمین بمانند تا قیامت فرا رسد. (طبرسی، ۱۳۷۵: ۴۹۸/۳-۴۹۷)

سوره اسراء با تعدادی از آیات سوره حشر، صف و جمعه که سخن از یهود است، پیوند خورده است. در سوره حشر ﴿الَّذِينَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ نَاقُتُوا يَقُولُونَ لِأَخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نَطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ. لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَصَرُوهُمْ لَيُولِيَنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ﴾ (حشر/۱۲-۱۱) اشاره به داستان یهود دارد مشرکان اهل کتاب را فریب می‌دادند چنین می‌گفتند اگر از مدینه اخراج شوید ما نیز با شما می‌آییم و هرگز علیه شما فرمان نخواهیم برد و اگر کسی با شما (اهل کتاب) جنگید حتماً به شما کمک خواهیم کرد خداوند نیز چنین افرادی را دروغگو معرفی می‌کند در حالی که اگر یهود از مدینه اخراج شوند دروغ گویان با آن‌ها نخواهند رفت و اگر کسی با یهود جنگ کند دروغ گویان آن‌ها را یاری نخواهند کرد و اگر هم یاری کنند از پشت جنگ آنها را یاری می‌کنند و آن نیز هیچ کمکی به یهود نمی‌شود. بعضی مراد از اهل کتاب یهود بنی نضیر دانستند. (طبرسی، بی‌تا: ۲۴ / ۳۳۶-۳۳۴)

در سوره صف از آیه شریفه ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِمَنْ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ (صف/۵) چنین برداشت می‌شود حضرت موسی (ع) به قوم خود چنین می‌گوید چرا من را آزار می‌دهید با اینکه اطلاع دارید من فرستاده‌ی خداوند می‌باشم اما قوم یهود از حق روی گردان شدند و خداوند انسان‌های نافرمان را هدایت نمی‌کند. همانطور که در آیات شریفه ﴿وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (اعراف/۱۳۴)، ﴿وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (اعراف/۱۴۹)، ﴿وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾ (بقره/۵۱)، ﴿ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (بقره/۵۲)، ﴿وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (مائده/۲۷)، ﴿ثَن بَسَطَ إِلَى يَدِكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا

بَبَاسِطِ يَدَيْ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٨﴾ (مائده/ ٢٨) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا﴾ (احزاب/ ٦٩) بنی اسرائیل به اذیت حضرت موسی (ع) روی آوردند در حالی که حضرت موسی (ع) بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دادند به عبارت دیگر آن‌ها را از گمراهی به هدایت سوق داد. (طیب، ١٣٦٩: ١٢/ ٥١٣-٥١٢)

در سوره جمعه آیات ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ. قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفْتَرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (جمعه/ ٨-٥) اشاره به داستان یهود دارد خداوند تورات را بر قوم یهود نازل کرد اما آن‌ها به دستورات تورات عمل نکردند خداوند نیز قوم یهود را به الاغی تشبیه کرد که باری را حمل می‌کند اما هیچ تاثیری بر آن ندارد عمل آنها در برابر تورات بسیار ناپسند است آنها آیات خدا را دروغ شمردند خداوند به همین دلیل آن‌ها راهنمایی نکرد اما قوم یهود ادعا می‌کردند که دوست خدا می‌باشند به آنها چنین گفته می‌شود اگر ادعای دوستی با خدا را دارید درخواست مرگ کنید درحالی که قوم یهود چنین آرزویی نکردند از مرگ گریزان بودند اما مرگ به سوی آنها می‌آید و به سوی خداوند بازگردانده می‌شوند و نسبت به تمام اعمالشان آگاه می‌گردند. علت اینکه یهود آرزوی مرگ نکردند چنین گفته شده است یهود از ترس اینکه اعمال خود را در آن جهان مشاهده کنند چنین درخواستی از خداوند نکرده‌اند در این جهان تنها خداوند پایدار می‌ماند. (مکارم، ١٣٧١: ٢٤/ ١١٨-١١٤)

١٠-٣- معاد

در سوره اسراء آیات ﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا. أَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا. مَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا. وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا. وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ (اسراء/ ١٧-١٣) به وجود معاد اشاره دارد انسان در دنیا اعمالی را انجام می‌دهد این عمل پیوسته همراه اوست تا در روز قیامت بروز داده شود طوری که به صاحبش گفته می‌شود آن را بخواند همچنین حسابگر اعمال خود نیز باشد هرکس هدایت یافت به سودش می‌باشد و هرکس گمراه شد به خود ضرر رسانده است خداوند هیچ یک از بندگان خود را بدون دلیل عذاب نمی‌دهد مگر آنکه قبل از آن برایشان پیامبری فرستاد تا راهنمای آنها به سوی هدایت باشد از طرف دیگر هرکس از دستورات خداوند سرپیچی کند

مورد عذاب خداوند قرار می‌گیرد همانطور که بسیاری پس از حضرت نوح (ع) عذاب شدند. (خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۵۱/۵-۲۴۶، رازی، ۱۴۰۸: ۲۰۶/۱۲-۱۹۷)

آیات شریفه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا. وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا. كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا. انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا﴾ (اسراء/۱۸ الی ۲۱) عالم آخرت را عالم دنیا ترجیح می‌دهد در عالم دنیا دو گروه انسان وجود دارد دسته‌ای خواهان زندگی دنیوی می‌باشند که جایگاه آنها دوزخ می‌باشد اما دسته‌ی دیگر خواهان زندگی آخرت می‌باشند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند خداوند نیز درخواستهای هر دو گروه را می‌پذیرد و درخواست‌های آنها را می‌بخشد از آنجایی که بخشش‌های خداوند زیاد است درجات عالم آخرت بر عالم دنیا برتری دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸۶/۱۳، مکارم، ۱۳۷۱: ۶۳/۱۲) بنابراین کسانی که به معاد اعتقاد دارند لذا خواستار جهان آخرت می‌باشند.

علاوه بر سوره اسراء در سایر سوره مسبحات از جمله سوره حدید و تغابن به موضوع معاد پرداخته شده است. با توجه به آیه شریفه ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (حدید/۱۷) چنین برداشت می‌شود خداوند زمین را پس از مرگش به وسیله باران زنده می‌کند همچنین قرآن را به وسیله فرشته وحی نازل می‌کند تا آیات خود را برای بندگانش روشن کند و به آن بیندیشند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۳۴۲/۲۳)

آیه شریفه ﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ النَّعَابِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفَرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (تغابن/۹) نیز اشاره به معاد دارد روزی که خداوند همه‌ی بندگان خود را دور هم جمع می‌کند آن روز، روز حسرت خوردن است هر کس ایمان آورد عمل شایسته انجام دهد بدیهایشان حذف میشود بهشت همراه با جویبارهای روان برای آنها تعیین می‌شود و برای اهل آن کامیابی است. بعضی مراد از تغابن را از دست دادن عمر پرقیمت انسان دانسته‌اند که شامل مشرکان و کافران می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۹۳/۱۱-۱۹۲)

در سوره حدید آیه شریفه ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَرَاهُ مَصْفُورًا ثُمَّ يُكونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (حدید/۲۰) خداوند زندگی دنیوی را یک بازی، سرگرمی، آرایش و فخر و شوی نسبت به یکدیگر قرار داده است و به اموال و اولاد انسان‌ها می‌افزاید مانند کشاورزی که به وسیله باران به شگفتی درمی‌آورد و پس از گذشت زمان محصولی کشاورز زرد می‌گردد انسان‌های دنیاپرست نیز در آخرت مورد عذاب قرار می‌گیرند اما مومنان که از طرف خداوند مورد آمرزش قرار گرفته‌اند زندگی دنیا را چیزی جز فریب نمی‌دانند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۳۵۲/۲۳-۳۵۱)

در سوره اعلی از آیات ﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا. وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَنْبَى﴾ (اعلی ۱۷/۱۶-۱۷) چنین برداشت می شود مشرکان زندگی دنیوی را برگزیده اند و از حق روی گردانی کردند در حالی که دنیا هیچ خوبی ندارد تنها زندگی آخرت نیکو و پایدار است، امام علی (ع) نیز در خطبه ۱۴۱ بدان اشاره کرده اند. (مغنیه، ۱۳۷۸: ۹۲/۸)

۱۰-۴- بیان عقاید باطل مشرکان

در سوره اسراء آیات ﴿أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا﴾ (اسراء/۴۰) مشرکان، از روی اتهام و دروغ خود را بر خداوند ترجیح می دادند طوری که ملائکه را دختران خداوند برگزیده بودند و پسران را از آن خود می دانستند قطعا چنین اعتقادی باطل است. (قطب، ۱۴۲۵: ۲۲۳۰/۴)

در آیات ﴿نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمْعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمْعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا. انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا﴾ (اسراء/۴۷-۴۸) پیامبر (ص) هنگامی که آیات قرآن را تلاوت می کردند مشرکان پیامبر (ص) را جادو زده شده معرفی کردند و از انسان های عادی خواستند که از ایشان اطاعت نکنند همچنین پیامبر (ص) را به امثالی مانند شاعر، کاهن، ساحر و مجنون وصف نمودند در نتیجه گمراه شدند و راهی به سوی هدایت نداشتند. (مکارم، ۱۳۷۱: ۱۵۴/۱۲-۱۴۴)

با توجه در آیات ﴿وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَلَيْسَ لِمَبْعُوثٍ خَلْقًا جَدِيدًا. قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا. أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا﴾ (اسراء/۵۱-۴۹) منکر مسئله ی معاد شدند معتقد مشرکان بودند چگونه با استخوان های پوسیده برانگیخته می شویم در حالی که اگر مانند سنگ یا آهن سخت باشند خداوند آنها را مجدد مبعوث می کند زیرا قدرت خداوند بالترین قدرت است همانگونه در ابتدا آنها را از نیستی ایجاد نمود. (زمسخری، ۱۴۰۷: ۶۷۱/۲)

با توجه به سایر سور مسبحات، علاوه بر سوره اسراء، در سوره تغابن نیز از عقاید باطل مشرکان بحث شده است. چنان که از آیات ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ. زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (تغابن ۶-۷) اینگونه برداشت میشود که مشرکان ابتدا معجزات پیامبران را منکر شدند. آن ها بر این اعتقاد بودند که چگونه بشری ما را هدایت کند. آن ها همچنان به کفر خود ادامه دادند و از معجزات الهی اعراض کردند. و خداوند البته بی نیاز از عبادت مشرکان است. آنها که کافر بودند معاد را باور نداشتند اعتقاد آن ها چنین بود هرگز برانگیخته نخواهند شد در حالی که معاد وجود دارد و مشرکان در آن برانگیخته می شوند و نسبت به تمام اعمالی که انجام داده اند آگاه می شوند زیرا چنین امری

برای خداوند آسان است. (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۹۲/۱۱-۱۹۱)

۱۰-۵- دعوت به توحید و نفی الوهیت

در سوره اسراء با توجه به آیات ﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا﴾ (اسراء/۲۲)، ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾ (اسراء/۲۳) و ﴿...وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا﴾ (اسراء/۳۹) باید از پرستش هر گونه معبود باطل پرهیز کرد زیرا تنها ذات الله شایسته‌ی پرستش است در واقع کسانی که به پرستش معبودان باطل می‌پردازند نکوهیده و در دوزخ جای می‌گیرند (مکارم، ۱۳۷۱ه.ش: ۱۲/۱۲۵-۷۲، امین، بی‌تا: ۳۱۰/۷-۲۹۲، طیب، ۱۳۶۹: ۸/۲۵۵-۲۳۶) با توجه به آیه شریفه ﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا﴾ (اسراء/۵۶) مشرکان معبودانی را مورد پرستش قرار داده بودند نه ضرری را دفع می‌کردند و نه آسیب شخصی را به دیگری انتقال می‌دادند زیرا هیچ قدرتی از خود نداشتند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۷۶-۱۷۵، طبرسی، بی‌تا: ۱۵۷/۱۴، قرشی، ۱۳۷۵: ۳/۹۳)

در سوره حشر با دقت در آیات ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ. هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (حشر/۲۴-۲۲) بیانگر توحید الهی است غیر از خداوند هیچ معبودی نیست زیرا مهربان و عالم بر نهان و آشکار است، هیچ معبودی جز او نیست زیرا فرمانروای پاک و سلامت، مومن، نگهبان، عزیز، جبار، متکبر و منزه از هرگونه شرک است همچنین تنها خداوند خالق هستی بخش است و بهترین نامها و اوصاف به او تعلق می‌گیرد چنین مقامی شایسته تسبیح است (مکارم، ۱۳۷۱: ۲۳/۵۵۵-۵۵۱، زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۵۱۰-۵۰۹، رازی، ۱۴۰۸: ۱۹/۱۴۴-۱۴۲)

نتیجه‌گیری

کاربست روش سوره‌شناسی در سوره اسراء هویت مستقل این سوره را ترسیم می‌کند به طوری که سوره با تسبیح خداوند آغاز و در مکه نازل شده است، در سه محور موضوعی این با سوره مجاور و سوره زوج پیوند خورده است که این محورهای موضوعی نظم مفهومی در راستای غرض سوره‌ها را مشخص می‌کند. دعوت به توحید و نفی الوهیت متعدد، بیان شبهات باطل مشرکان علیه خداوند و پیامبر (ص) و عدم قدرت و مالکیت معبودان باطل، محورهای مرتبط با سوره مجاور و زوج خود است. همچنین پنج محور موضوعی سوره اسراء با سوره مسبحات مرتبط می‌شود. توجه و اهمیت به شخصیت پیامبر (ص)، توجه به داستان یهود، معاد، بیان عقاید باطل مشرکان و دعوت به توحید و نفی الوهیت، ارتباط‌های

مفهومی در سوره اسراء با دیگر خانواده سور مسبحات است. از میان محورهای موضوعی مذکور دو محور دعوت به توحید و نفی الوهیت متعدد در سوره اسراء، مجاور و زوج و سور مسبحات مشترک است که نشانگر اهمیت فوق العاده این محورها دارد. همچنین این مفهوم به عنوان اصلی ترین محور موضوعی سوره اسراء بشمار می آید. بنابراین غرض اصلی سوره اسراء نیز دعوت به توحید و مبارزه با عقاید باطل مشرکان است.

کتابنامه

- قرآن کریم.
 - نهج البلاغه.
 - ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳): «تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم-مزایا القرآن الکریم)»، لبنان_ بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
 - آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵): «روح آلمانی»، لبنان_ بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
 - ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. لبنان- بیروت: موسسه التاریخ العربی، چاپ اول.
 - امین، نصرت بیگم (بیتا)، «تفسیر مخزن العرفان فی علوم قرآن»، بیجا: بیجا، چاپ اول.
 - ایزدی، مهدی؛ محمدی نبی کندی، باب اله (۱۳۹۴): «تحلیل و بررسی تطبیقی معراج پیامبر(ص) از دیدگاه مایکل سلز» و «آنه ماری شمل» با نگاه درون مذهبی، «الهیات تطبیقی، ش ۱۳، صص ۵۸-۴۳.
 - بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸): «انوار التنزیل و اسرار التحصیل»، لبنان_ بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
 - جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸): «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)»، ایران_ تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
 - خامه گر، محمد (۱۳۹۶): «اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره های قرآن»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی، چاپ اول.
 - خان محمدی، حمیدرضا؛ ذوالفقاری، محسن (۱۳۹۸): «بررسی و تحلیل اغراض جمله های انشایی در سورهی اسرا»، پژوهشهای قرآنی در ادبیات، ش ۸، صص ۲۰-۱.
 - خرقانی، حسن؛ سبزو، علی (۱۳۹۸): «بررسی و تحلیل نمونه هایی بلاغی در سوره اسراء با تاکید بر نقش آن در کشف غرض الهی»، نشریه جستارهای ادب عربی، ش ۱، صص ۵۰-۲۷.
 - خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰): «تفسیر خسروی»، ایران_ تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول.
 - خوش منش، ابوالفضل (۱۳۹۰): «حمل قرآن (پژوهشی در روش شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید)»، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، ایران_ مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول.
 - رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷): «تفسیر قرآن مهر»، ایران_ قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول.
 - رضایی کهنمویی، علی (۱۳۹۸): «بررسی تفسیری واژهها و تعبیرهای مهم آیات وعید بنیاسرائیل در سوره اسراء»، مطالعات تفسیری، ش ۳۸، صص ۲۲۰-۲۰۳.
 - زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷): «انکشاف عن حقائق غرامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل»، لبنان_ بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم.
 - ستوده نیا، محمدرضا؛ جانی پور، محمد (۱۳۹۲): «ساختار نظام مند مفاهیم و گزاره های اخلاقی در

- سوره اسراء»، پژوهش نامه اخلاق، ش ۱۹، صص ۸۲-۵۵.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸): «بیان السعاده فی مقامات العباده»، لبنان_ بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱): «الاتقان فی علوم القرآن»، بیروت-لبنان: دار الکتب العربی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴): «ترجمه تفسیر المیزان»، ایران_ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن محمد (۱۳۷۵): «ترجمه تفسیر جوامع الجامع»، مترجم اکبر غفوری، ایران_ مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن محمد (بی تا): «ترجمه تفسیر مجمع البیان»، مترجم حسین نوری همدانی، ایران_ تهران: فراهانی، چاپ اول.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). «التبیان فی تفسیر القرآن». لبنان- بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷). «التفسیر الوسیط القرآن الکریم». مصر- قاهره: نهضه مصر، چاپ اول.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹): «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، ایران_ تهران: اسلام، چاپ دوم.
- فلاح پور برنجستانی، فاطمه (۱۳۹۰). «ارتباط آیات سوره اسراء». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵): «تفسیر احسن الحدیث»، ایران_ تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ دوم.
- قطب، سید (۱۴۲۵): «فی ظلال القرآن»، لبنان_ بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله (بی تا): «منهج الصادقین فی الزام الخالقین»، ایران_ تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول.
- کاظمی، زینب (۱۳۹۳). «بررسی دلالی و معنایی سوره اسراء». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۷۵): «طرح جامع آموزش زبان قرآن کریم، به کوشش مهمدی غفاری»، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۴): «سوره شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم)»، قم: نصابیح.
- لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی (۱۳۹۳): «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»، قم: بوستان کتاب.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹): «من هدی القرآن»، ایران- تهران: دار محبی الحسین، چاپ اول.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸): «ترجمه تفسیر کاشف»، مترجم موسی دانش، ایران_ قم: بوستان کتاب انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱): «تفسیر نمونه»، ایران_ تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
- منتظرزاده، مجید؛ خوشدونی، مهدی (۱۳۹۹): «بازنگاهی تحلیلی به فرجام بنیاسرائیل در آخرالزمان با بررسی تطبیقی آیات ۴الی ۷سوره اسراء»، مشرق موعود، ش ۵۳، صص ۶۹-۴۵.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱): «کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)»، ایران_ تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
- نارویی، محمدالیاس (۱۴۰۰): «سبک شناسی لایه ای سوره ی مبارکه اسراء»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

Bibliography

- The Holy Quran.
- Nahj al-Balaghah.
- Abu al-Saud, Muhammad b. Muhammad (1983): "Tafsir Abi al-Saud (Ershad al-'Aql al-Salim-Hasanim al-Qur'an al-Karim)," Lebanon- Beirut: Dar Ehya al-Tarh al-

- Arabi, first edition.
- Alusi, Mahmoud bin Abdullah (1415): "The German Spirit," Lebanon- Beirut: Dar al-Kitab al-Lamiyah, Charters of Muhammad Ali Beyzoun, 1st edition.
 - Ibn Ashour, Muhammad Tahir (1420). Tafsir al-Tahrir and al-Tanvir al-Ma'araf Btasir b. Ashoor. Lebanon- Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Institute, 1st edition.
 - Amin, Nosrat Begum (Bita), "Tafsim Reservoir al-Arfan fi Qur'anic Sciences", Bija: Bina, 1st edition.
 - Izadi, Mahdi, Mohammadi Nabi Kennedy, Babollah (2015): "Comparative Analysis and Investigation of the Prophet's Ascension from the Perspective of Michael Selz and Anne-Marie Shamal with an intra-religious perspective," Comparative Theology, No. 13, pp. 58-43.
 - Beydawi, 'Abd Allah b. 'Umar (1418): "Anwar al-Tanziel and The Secrets of the Graduate," Lebanon- Beirut: Dar Ehya al-Tarh al-Arabi, 1st edition.
 - Jorjani, Hossein bin Hassan (1999): "Jala'ul-Adhan and Jala'a al-Ahzan (Tafsir-e Gazer)," Iran-Tehran: University of Tehran, 1st edition.
 - Khamagar, Mohammad (2017): "Principles and Rules of Argumentative Discovery of Quranic Suras," Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary, Institute of Islamic Sciences and Sciences, 1st edition.
 - Khan Mohammadi, Hamidreza, Zolfaghari, Mohsen (2019): "Investigation and analysis of essay sentences in Surai Asra", Quranic research in literature, Sh8, pp. 20-1.
 - Kharqani, Hasan, Sabzjo, Ali (2019): "Analysis of rhetorical examples in Sura Al-Isra'a with emphasis on its role in discovering divine intentions", Arabic Literature Research Journal, No. 1, pp. 50-27.
 - Khosravani, Alireza (2011): "Tafser Khosravi", Iran- Tehran: Islamic Bookstore, 1st edition.
 - Khoshmanesh, Abolfazl (2011): "Carrying the Qur'an (A Research in The Methodology of Teaching and Distorting the Holy Quran)", Tehran: Seminary Research Institute and University.
 - Razi, Hussein b. Ali (1408): "Rawd al-Janan and Ruh al-Janan fi Tafsir al-Qur'an", Iran- Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, 1st edition.
 - Reza'i Esfahani, Mohammad Ali (2008): "Interpretation of the Qur'an Mehr", Iran-Qom: Researches on Quranic Exegesis and Sciences, 1st edition.
 - Rezaee Kahnouei, Ali (2019): "Exegetical study of important words and interpretations of verses and verses of Wa'id Banyasrael in Sura Al-Isra', Exegetical Studies, S38, pp. 220-203.
 - Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1407): "Development of The Truth of Gharamaz al-Tanziel and Ayoun al-Aqawil fi Menzoon al-Tawil," Lebanon- Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 3rd edition.
 - Sotoudehnia, Mohammad Reza, Janipour, Mohammad (2013): "Systematic Structure of Ethical Concepts and Propositions in Sura Israa", Ethics Research Journal, No. 19, pp. 82-55.
 - Sultan Ali Shah, Sultan Mohammed bin Haider (1408): Bayan al-Saada fi Al-Abadah

- Officials, Lebanon- Beirut: Al-Alamy Lalmbawat Institute, 2nd edition.
- Al-Sivati, Abd al-Rahman b. Abi Bakr (1421): "Al-Atiqan fi Oloma al-Qur'an," Beirut-Lebanon: Dar al-Kitab al-Arabi.
 - Tabatabai, Mohammad Hossein (1995): "Translation of Tafsin al-Mizan," Iran-Qom: Society of Seminary Teachers of Qom, Office of Islamic Propaganda, 5th edition.
 - Tabarsi, Fazl b. Muhammad (1996): "Translation of The Interpretation of Jamaat al-Jama'at al-Jama'at", Translator Akbar Ghafouri, Iran- Holy Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, 1st edition.
 - Tabarsi, Fazl b. Muhammad (Bita): "Translation of The Interpretation of Jama'ul-Bayan", translator of Hossein Nouri Hamedani, Iran- Tehran: Farahani, 1st edition.
 - Tusi, Muhammad b. Hasan (Bita). "Al-Tebbian fi Tafsir al-Qur'an". Lebanon- Beirut: Dar Ehya al-Tarth al-Arabi, first edition.
 - Tuntawi, Muhammad Sayyid (1997). "Al-Tafsir al-Wasit al-Qur'an al-Karim". Egypt-Cairo: Nahda Of Egypt, 1st edition.
 - Tayeb, Abdolhossein (1990): "Atib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an," Iran-Tehran: Islam, 2nd edition.
 - Fallahpour Berendestani, Fatemeh (2011). "The relationship between the verses of Sura al-Isra'a". Master's Thesis, Yazd University.
 - Qureshi Banabi, Ali Akbar (1996): Tafser Ahsan al-Hadith, Iran- Tehran: Besat Foundation, Publishing Center, 2nd Edition.
 - Qutb, Sayyid (1425): "Fi Zahl al-Qur'an", Lebanon- Beirut: Dar al-Shorouq, 35th edition.
 - Kashani, Fathollah b. Shokrollah (Bita): "Manhaj al-Sadeqin fi Yadam al-Khalqin,"Iran- Tehran: Islamiyah Bookstore, 1st edition.
 - Kazemi, Zeinab (2014). "Investigation of brokerage and semantics of Sura Al-Isra'a". Master's Thesis, University of Mazandaran.
 - Lesani Aqfaki, Mohammad Ali (1996): "Comprehensive Plan for Teaching the Language of the Holy Quran, by The Efforts of Mohmadi Ghaffari", Tehran: Research Center of Imam Sadegh University.
 - Lashani Negahki, Mohammad Ali, Moradi Zanjani, Hossein (2015): "Surhiology (Structural Research Methodology in the Holy Quran)," Qom: Advice.